مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

محمدصالح گردش ۲۰۲۱/۰۳/۱۲

انسان بودن بهتر از آریائی بودن است

«اوغان (به افغان) تبدیل شد اصلاً نام یک یهودی است نام پدر اش طالوت بوده است در شبه جزیره سینا حکومت میکرد از بی کفایتی دستگاه دولتی شان در مقابل نصر دوم پادشاه بابل بالای حکومت یهودان حمله شد شکست خورده از وطن شان به طرف هندوستان فرار نمودند ده قبیله گم شده یهود امروز بنام پشتون مسما اند یهودان هیچ وقت آریایی شده نمی توانند آریایی نیستند تهداب این جعل کاری ها در تاریخ توسط محمود طرزی و عبدالحی حبیبی گذاشته شد درهمین روزها برملا شده رسوای تاریخ شدند.»

متن بالا کمنتی ست که فردی در پای نوشته دوستی در صفحه فسبوکش نوشته است:

اینکه فرد مذکور خودش از کدام قوم و طایفه بوده است، برایم مهم نیست و فقط دانسته شدم که جناب و طایفه اش آریایی و پشتونها به زعم اش غیر آریایی بوده است . پس اگر قرار باشد تا نژاد آریایی را از اشکال ظاهر و سیمای باشندگان این خطه و حتا این حوزه که حداقل با نژاد زرد تفکیک گردند-زیرا نژاد زرد را اکثر باشندگان این خطه آریایی نمی دانند - به قضاوت گرفت و داوری نمود، می پردازیم به این موضوع: به فرض اگر آریایی ها را نژاد سفید یا گندمی روشن با چشمان آبی و آهویی و بینی های بلند تصور نمائیم، پس امروز در بین کدام اقوام این خطه چنین خصوصیاتی وجود دارد؟ و کسانی که نمی دانند یکبار به خطه پکتیا و پکتیکا سفر نمایند و مردم جاجی و طوطاخیل را از نظر بگذرانند و یا به مردم آفریدی و شینوار و باشندگان کنرها و پشتون های لغمان توجه نمایند. از همه مهمتر زبان پشتو یکی از زبانهای هندو اروپایی و به زعم تعدادی هندو آریایی(ایرانی)ست، و تا جایی که من تحقیق و پژوهش نموده ام زبان پشتو یکی از زبان های مهمی است که با زبان سانسکریت و زبان اوستایی پیوند های عمیق و ژرف دارد.

اگر قرار باشد که آریایی ها نژاد سفید یا گندمی دارای چشمان سیاه و بینی های بلند بوده باشند، باز هم همین طایفه را گواه می گیرم که کدام قوم و تبار بیشتر و خوبتر از پشتونها، این ویژه گی را دارا اند؟

اما دید و نگاه نگارنده این است که آریایی های متمدن و شهرنشین یک نژاد و طایفه خالص نبوده اند بل مردمی بوده اند از طوایف و نژاد های گوناگون که در درازنای تاریخ زیست شان در ضمن آمیختگی های خونی دارای یک سلسله وجوهات زبانی، رسم و رواج ها و عقاید مشترک نیز بوده اند، چنانکه چنین مشترکات در بین تمام باشندگان این خطه از نورستان و کنرها تا هرات، و از بدخشان و بادغیس تا قندهار و زابل هنوز هم موجود است.

این بود جواب کردکی و عامیانهٔ این قلم به بدبینان و دشمنان تحکیم وحدت ملی. در غیر آن جواب های دیگری نیز برای اثبات آریایی بودن و غیر آریایی بودن در چانته موجود است، ولی بدانیم که مردم این سرزمین نیازمند صلح و آرامش اند و جر و بحث در چنین موارد و در آستانهٔ قرن۲۱ که علم و دانش روی همه این مسایل خط بطلان کشیده است، بسیار بیهوده و پیش پا افتاده به نظر می رسد. به کسانی که آریایی بودن را برای ایجاد تفرقه و از هم پاشی وحدت ملی مردم این سرزمین وسیله و بهانه کرده اند و باچنین افکار باطل دیگران را حقیر و خوار وانمود می سازند، اول اینکه با نشانه های نژادی و قومی خود و باز با رابطه های فرهنگی، آریایی بودن خود و طایفه خود را به اثبات برسانند و باز بر سر هویت تباری و نژادی دیگران به قضاوت بنشینند، اما خواست من از آن عده

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

افراد اینست که انسان بودن از آریایی بودن بهتر است. پس بیائیم تا انسان باشیم و نه ترک و پشتون و تاجیک و این و آن .
بیجا نیست تا در همین جا از خود بگویم: چند روز پیش با اعضای خانواده تذکره الکترونیکی گرفتم اول اینکه می خواستم کلمهٔ "خواجه" را از پیشوند اسمم دور کنم ولی از اینکه تغییر در اسمای همه اعضای خانواده رونما می گردید و مشکلزا می شد، اعضای خانواده خودم و نیز بازماندگان پدری ام آنرا نپذیرفتند.
دوم اینکه می خواستم واژه تاجیک را به افغان تبدیل نمایم، اما کارمندان ثبت احوال تذکره نپذیرفتند و گفتند افغان هویت ملی است و نه اسم قوم. پس به اساس تذکره قبلی قومیتم را نوشتند:تاجیک. حالا صادقانه اظهار می دارم که با شناخت هویت سه نسل قبلی ام چه از طرف پدر و چه مادر، فقط مادر پدری ام از تاجیکان بوده است و آن هم از تاجیکان زرغون شهر ولایت لوگر که آن هم معلوم نیست تا چه حدی تاجیک بوده است، ! و دیگر هیچ نسبتی با تاجیکان ندارم و همان نسبتی را که از طرف مادر بزرگ پدری ام با تاجیکان دارم به همان پیمانه از جهات دیگر با خواجه و ایماق و پشتون نیز دارم و به یقین که اجداد و پدران پیشینم روابط خونی با پشه یی ها و نورستانی ها و اقوام و باشندگان دگر کشور نیز داشته اند. در رابطه اقبال لاهوری چه زیبا گفته یی دارد.

نـه افـغانـیم و نـــه ترک و تتاریــم
چمن زادیم و از یــک شـاخساریـم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
که ما پرورده ی یک نوبــهـاریـم

از دید و نظر نگارنده، نه آریایی بودن مهم است و نه غیر آریایی بودن و فقط و فقط انسان بودن ارجحیت دارد. من که با تاریخ سروکار دارم تا حال به هیچ قوم و خون پاک و خالصی مواجه نگردیده ام و کسانی که بادنبال کردن تبارگرایی، از آن رهگذر فضل گرایی می کنند بیهوده می کوشند تا تاریخ را مسخ کنند و کسانی که به مسایل فرهنگی و غنای زبانی شان فضل می فروشند، باید بدانند که هیچ زبان و فرهنگ یک قوم و توده نیز بدون تأثیر پذیری زبان ها و فرهنگ های اقوام دیگر به رشد نسبی نرسیده است.
در میان پشتون ها ضرب المثلی ست که گویند:" به کونه کی پتلوک نشته، نوم یی وزیرفتح خان" بلی نسبت ها و افتخار به وابستگی های گذشته در صورتی که نان برای خوردن و لباس برای پوشیدن نداشته باشیم و از سوی دیگر کمترین امکانات آموزشی و صحی برای فرزندان خود مهیا نتوانیم و از زمره ملت های عقب افتاده و خیرات بگیر باشیم، آریایی بودن و غیر آریایی بودن برای ما چه افتخاری می تواند داشته باشد؟
ما ملت باید بدانیم اگر مربوط هر قوم و تبار و نژادی که استیم، امروز درین محدوده سیاسی که اسمش افغانستان است بسر می بریم و حوادث و رویداد های تاریخی، قرن هاست که سرنوشت ما را به یکدیگر گره زده است. پس قدر یکدیگر خود را بدانیم و دست و پا و سر خود را توسط یکدیگر نشکنیم و نگذاریم تا سخن به این باریکی ها کشانیده شود و در آن صورت اثبات آریایی بودن نیز چندان بدرد بخور نخواهد بود. البته این به معنایی نیست که از تحقیق و پژوهش در همچو موارد دست برداشت، اما وقتی کار علمی و تحقیقی در همچو موارد صورت می گیرد باید مستند، با برهان و منطق و تحلیل باشد و نه با تحقیر و توهین.

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ